



و چه پس از آن همواره مورد توجه قدرت های منطقه ای و جهانی بوده است. تحولات مناطق پیرامونی، همواره در سطوح مختلف بر امنیت و منافع ملی این کشور تأثیر گذاشته است. جنگ هشت ساله ایران و عراق را از جمله این تحولات می توان قلمداد کرد. این جنگ در ابعاد گوناگون، پیامدهای در خور توجهی برای پاکستان به دنبال داشت.

پاکستان به دلیل داشتن مرزهای طولانی با ایران و روابط نزدیکی که با این کشور داشت ناخواسته از پیامدهای مثبت و منفی این جنگ تأثیر پذیرفت. از سوی دیگر عراق نیز به عنوان یک کشور عربی، در سیاست خارجی پاکستان از جایگاه مهمی برخوردار بود.

با وجود اینکه تألیفات مهم و درخور توجهی درباره نقش و عملکرد کشورهای مهم منطقه در جریان جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران به نگارش درآمده، اما تاکنون درباره نقش و عملکرد پاکستان در جریان جنگ عراق علیه ایران، تحقیق مشخصی در داخل یا خارج از کشور به نگارش در نیامده و منابع مختلف به صورت پراکنده اشاراتی را در زمینه داشته اند. این در حالی است که پاکستان از جمله کشورهایی بود که نقش مهمی را در جریان این جنگ ایفا کرد. با توجه به جایگاه مهمی که پاکستان در سیاست خارجی کشورمان در شرایط کنونی برخوردار است، جا دارد چگونگی برخورد این کشور با جنگ ایران و عراق با نگاه علمی مورد بررسی قرار گیرد.

مقاله حاضر با یک نگاه تحلیلی به دنبال پاسخ گویی به این پرسش مهم است که مواضع دولت پاکستان در قبال جنگ ایران و عراق تا چه حد متأثر از روابط نزدیکش با ایران بوده است؟ آیا در سایه روابط تاریخی نزدیکی که از بدو استقلال بین پاکستان و ایران به وجود آمد؛ در جنگ تحمیلی، پاکستان ناگزیر به حمایت از ایران پرداخت؟ در برابر این پرسش ها، این فرضیه برای مولف مطرح است که استراتژی دولت پاکستان در دوره جنگ، همچون کشور ترکیه، با یک نگاه واقع گرایانه در چارچوب تأمین هر چه بیشتر منافع ملی اش استوار بود؛ به گونه ای که بیشترین سود و کمترین هزینه را برای این کشور به دنبال داشته باشد. در این راستا، این کشور دیپلماسی بسیار پیچیده و در عین حال موفقی را چه در سطح روابط دو جانبه با طرفین درگیر جنگ و نیز در سطح منطقه ای و جهانی در پیش گرفت که در نوع خود جالب توجه است.

این تحقیق در قالب سه بخش جداگانه سازماندهی شده و براساس مدل کتابخانه ای به نگارش در آمده است. بخش نخست، تاریخچه

روابط پاکستان با کشورهای ایران و عراق را مورد بررسی قرار می‌دهد. در بخش دوم، رویکردها و اهداف سیاست خارجی پاکستان در دوره مورد بحث، بررسی شده و در قسمت سوم، عملکرد پاکستان در جریان جنگ ایران و عراق مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

پیشینه روابط خارجی ایران و پاکستان

روابط ایران و پاکستان از سابقه‌ای طولانی برخوردار است. روابط دوستانه دو کشور در میراث مشترک دو کشور ریشه دارد. میراث مشترکی که طیف وسیعی از مسائل فرهنگی، زبانی و مذهبی را در بر می‌گیرد. از نظر قومی و نژادی، مردم ایران و پاکستان هر دو از تبار آریایی هستند. از نظر زبانی، زبان فارسی تأثیرات گسترده‌ای بر زبان اردو داشته و از نظر جغرافیایی نیز ایران و منطقه‌ای که اکنون پاکستان نام دارد در طول تاریخ، تحت فرمانروایی امپراتوری‌های واحدی بوده‌اند. همه این عوامل باعث شده تا از آغاز استقلال پاکستان، ایران و پاکستان روابط دوستانه عمیقی با یکدیگر داشته باشند (واعظی، در دست چاپ: ۴).

روابط دو کشور طی چند دهه گذشته فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته است. در این سال‌ها متغیرهای مختلفی این روابط را تحت تأثیر قرار داده است. در اولین مراحل برقراری رابطه، دو کشور از مسائل امنیتی مشترکی برخوردار بودند و از این رو نیازهای امنیتی مشترک خود را با اتحاد زیر پرچم آمریکا در دوران جنگ سرد مرتفع می‌ساختند. در مرحله بعد دلسردی دو کشور از اتحاد امنیتی به رهبری آمریکا آنها را به سمت همکاری مشترک اقتصادی چند جانبه در سطح منطقه‌ای سوق داد (واعظی، در دست چاپ: ۴). در دهه ۱۹۷۰ نیاز امنیتی پاکستان آن را به ایران وابسته ساخت و در

اواخر دهه ۷۰ هر دو کشور دچار ناآرامی‌های داخلی بودند که این ناآرامی‌ها در پاکستان منجر به برقراری حکومت نظامی و در ایران منجر به انقلاب اسلامی شد. (Ali Khan, 2004:168)

برای بررسی تحولات روابط ایران و پاکستان ناگزیر باید روابط دو کشور را به دو دوره قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تقسیم کرد. ماهیت و نوع روابط دو کشور در چارچوب هر یک از این دوره‌ها کاملاً متفاوت است. در ذیل به طور خلاصه تحول روابط دو کشور در دوره پهلوی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روابط ایران و پاکستان در دوره پهلوی

اهمیت سیاسی و استراتژیک پاکستان برای ایران از همان آغاز تجزیه هند در سال ۱۹۴۷ آغاز شد. ایران اولین کشوری بود که پاکستان را به رسمیت شناخت و سفارت ایران در

ایران اولین کشوری بود
که استقلال پاکستان را به
رسمیت شناخت و سفارت
ایران در کراچی در ۲۴ اکتبر
۱۹۴۷ افتتاح شد

کراچی (پایتخت اولیه پاکستان) در ۲۴ اکتبر ۱۹۴۷ افتتاح شد. (زندى، ۱۳۸۴: ۶۵) لیاقت علی خان، نخست وزیر پاکستان، در ماه می ۱۹۴۹ از ایران دیدار کرد. محمدرضا پهلوی، شاه ایران نیز اولین رئیس دولتی بود که در مارس ۱۹۵۰ از پاکستان دیدار کرد و در همان ماه، یک پیمان دوستی بین دو کشور به امضا رسید. (Ali Khan, 2004: 174)

چارچوب همکاری دو کشور را طی این دوره در قالب چند محور می‌توان بیان کرد:

الف) حضور در پیمان‌های منطقه‌ای: همسایگی با شوروی، بیم از گسترش کمونیسم و همچنین

دولت های عضو به ناچار تصمیم گرفتند مقر پیمان را به آنکارا منتقل سازند و نام آن را به «سازمان پیمان مرکزی» (سنتو) تغییر دادند (علی بابایی، ۱۳۷۵: ۹۵). علیرغم نقش غیر قابل انکاری که این سازمان در تقویت همکاری بین کشورهای عضو داشت از آنجا که این سازمان تنها با هدف مقابله با شوروی بوجود آمده بود و اقدامی در جهت رفع سایر نیازها و مسائل امنیتی اعضا صورت نداد این مسأله باعث دلسردی کشورهای عضو شد و این امر زمینه تشکیل سازمان همکاری منطقه ای برای توسعه (آر.سی.دی) را توسط سه عضو مهم سنتو یعنی ترکیه، ایران و پاکستان فراهم کرد. سه کشور در جولای ۱۹۶۴ آر.سی.دی را به عنوان چارچوبی برای همکاری های اقتصادی، فنی، بانکی و... تشکیل دادند (واعظی، در دست چاپ: ۴). این سازمان در مجموع از سال ۱۹۶۴ تا سال ۱۹۷۹ عملکرد موفقی داشت. هرچند دامنه همکاری های اقتصادی و تجاری در قالب این سازمان چندان زیاد نبود، اما ایجاد این سازمان، یک قدم مهم در زمینه سازی همکاری های دو کشور شد. به خصوص که این سازمان زمینه شکل گیری سازمان همکاری های اقتصادی (اگو) را در سال ۱۹۸۵ فراهم کرد. (Montazeran and Mumtaz, 2010: 25)

ب) روابط سیاسی و نظامی: با پیدایش پاکستان به عنوان یک دولت مستقل، هند مجاورت سرزمینی خود با ایران را که قرن ها از آن برخوردار بود از دست داد. در واقع می توان گفت پاکستان نه تنها به لحاظ جغرافیایی بین ایران و هند پدیدار شد بلکه به یکی از عوامل اثرگذار و تعیین کننده در روابط ایران و هند تبدیل شد. (Alam, 2004: 527)

یکی از مهم ترین گام ها در تاریخ روابط ایران و پاکستان، حل اختلافات مرزی و تعیین مرزهای نامشخص دو کشور در سال ۱۹۵۸ بود که باعث

تأمین نیازهای نظامی، در نهایت دو کشور را به همکاری امنیتی با ایالات متحده ترغیب کرد. بر همین اساس، ایران و پاکستان در سال ۱۹۵۵ به عضویت پیمان بغداد درآمدند. نخستین پایه های پیمان بغداد با انعقاد پیمان ۸ ماده ای همکاری متقابل و دفاع مشترک بین ترکیه و عراق، در ۲۴ فوریه ۱۹۵۵، به وجود آمد. انگلستان در ۴ آوریل ۱۹۵۵ و پاکستان در ۲۲ سپتامبر ۱۹۵۵ به پیمان مذکور پیوستند و سرانجام ایران نیز در ۱۱ اکتبر ۱۹۵۵ به پیمان بغداد پیوست (علی بابایی، ۱۳۷۵: ۸۸).

این پیمان با هدف سلب بندی و جلوگیری از رخنه اتحاد شوروی به آسیای جنوبی و غرب به وجود آمده بود. عضویت دو کشور در این سازمان به تقویت روحیه همکاری بین آنها کمک کرد و باعث شد تا آنها به عنوان اعضای جهان اسلام در سال های بعد مواضع مشترکی

را اتخاذ نمایند. از جمله این مواضع مشترک می توان به حمایت از مصر در جریان بحران کانال سوئز و محکوم کردن تجاوز فرانسه، انگلیس و اسرائیل به این کشور و حمایت از اعراب در مقابل اسرائیل در جنگ ۱۹۶۷ اشاره کرد (واعظی، در دست چاپ: ۳). پیمان بغداد در واقع دامنه جنگ سرد را به خاورمیانه کشانید. دولت عراق چند روز پس از کودتای ۱۴ ژوئیه، اسناد سری پیمان بغداد را با یک هواپیمای مخصوص به قاهره فرستاد تا مورد بهره برداری دولت مصر قرار گیرد و نیز از پیمان بغداد خارج شد، لذا

کشور عراق و پاکستان از کشورهای هستند که تاریخ شکل گیری آنها به عنوان یک کشور مستقل، نسبت به دیگر کشورهای منطقه از قدمت کمتری برخوردار است

جنگی F-89 صبری از آلمان غربی، آنها را به پاکستان تحویل داد. (Mahmood, 2000:223-224) پس از استقرار آتش بس نیز، ایران با استقبال از موافقتنامه سیملا، خواهان تخلیه هر چه سریع تر مناطق جنگی از نیروهای هندی شد و دو طرف را به مذاکره و حل اختلافات دعوت کرد. علاوه بر این، ایران برای بازسازی مناطق جنگ زده نیز به پاکستان کمک مالی اعطا کرد (واعظی، در دست چاپ: ۶).

در دهه ۱۹۷۰ و در جریان بروز جنبش استقلال طلبی در منطقه بلوچستان پاکستان، دولت ایران بار دیگر به کمک دولت پاکستان برخاست و با ارسال کمک های نظامی از جمله ار سال هلی کوپترهای نظامی نقش مؤثری در سرکوبی این جنبش ایفا کرد. (واعظی، در دست چاپ: ۷)

پاکستان تحت تأثیر روابطش با ایالات متحده، نمی تواند دامنه مناسباتش را با ایران تا هر سطحی که علاقمند است گسترش دهد

با وجود این، در طول دهه ۱۹۷۰، ایران و پاکستان سرگرم کشمکش برای تأمین امنیت خود بودند. در اوایل این دهه، ایران شروع به افزایش فعالیت و حضور در خلیج فارس کرد در حالی که این دوره با نفی قدرت و موقعیت پاکستان در جنوب آسیا از سوی هند همراه بود. (Alam, 2004: 529)

روابط ایران و پاکستان در اواسط دهه ۱۹۷۰ به سردی گرایید. مهم ترین علت سردی روابط دو کشور، گرایش پاکستان به برقراری روابط گسترده با کشورهای عربی خلیج فارس بود. این در حالی بود که روابط ایران با کشورهای این

شد روابط دوستانه بین آنها در سال های بعد نیز تداوم پیدا کند. (Chopra, 1995: 288) کمیسیون مشترک مرز ایران و پاکستان در سال ۱۹۵۶ تشکیل شد. براساس نظرات کارشناسی این کمیسیون، موافقتنامه تعیین حدود مرزی بین دو کشور در ۶ ماه می ۱۹۵۸ به امضاء رسید. امضاء این موافقتنامه باعث شد اختلافی درخصوص مرزهای ایران و پاکستان وجود نداشته باشد. (Mumtaz, 2010: 27) (Montazeran and

از جمله مهم ترین مسائل سیاسی بین دو کشور در این مقطع، تلاش شاه ایران برای میانجیگری بین افغانستان و پاکستان بود. در اثر این تلاش ها، روابط دیپلماتیک دو کشور که به دلیل اختلاف بر سر مساله پشتونستان و نیز حمایت دولت افغانستان از شوروی در اعتراض به عضویت پاکستان در پیمان سنتو به حالت تعلیق در آمده بود؛ نهایتاً در سال ۱۹۶۳ با میانجیگری شاه ایران و مذاکراتی که بین طرفین در تهران برگزار شد به حالت عادی در آمد (واعظی، در دست چاپ: ۵).

جدی ترین آزمون روابط دوستانه بین دو کشور در خلال سال های ۱۹۶۵ و ۱۹۷۱ و در جریان جنگ های پاکستان و هند بر سر کشمیر اتفاق افتاد. ایران تنها کشور مسلمانی بود که در داخل و خارج از سازمان ملل به طور همه جانبه از پاکستان حمایت کرد. حکومت وقت ایران علاوه بر حمایت لفظی و محکوم کردن تجاوز هند به کشمیر، در زمینه های مالی و تجهیزات نظامی نیز به طور گسترده پاکستان را مورد حمایت قرار داد. (Alam, 2004: 528) در این راستا، ایران با ارسال امکانات پزشکی، پرستار و یک محموله نفتی پنج هزار تنی به عنوان هدیه به یاری دولت پاکستان شتافت. همچنین گفته می شود پس از تعلیق کمک های نظامی ایالات متحده به پاکستان، ایران با خرید ۹۰ فروند جت

مهم و اثرگذار در روابط بین ایران و پاکستان باشد اما رابطه دو کشور عموماً از مسائل سیاسی و امنیتی متأثر بوده است. با وجود اینکه ایران و پاکستان، دو کشور همسایه و دارای مرز مشترک هستند، سطح همکاریهای اقتصادی آنها در دوره مورد بحث ناچیز بود. هرچند روابط تجاری هند با ایران بسیار گسترده تر از روابط تجاری پاکستان و ایران بود اما پاکستان از نظر سیاسی برای ایران اهمیت بیشتری داشت. (Alam, 2004: 530)

گفته می شود یکی از دلایل این مهم، عدم شناخت دو کشور از منابع، امکانات و ظرفیت های یکدیگر بوده است. نظر به اینکه، پاکستان یک کشور در حال رشد بوده و منابع انرژی چندانی را در اختیار ندارد، از این رو این کشور نگاه ویژه ای به ایران به عنوان یکی از منابع مهم انرژی داشته است. روابط اقتصادی دو کشور در دوره پهلوی عمدتاً در چارچوب پیمان آ.ر.سی. دی صورت می گرفت. میزان تجارت بین دو کشور نسبتاً پایین بود و موازنه تجاری به سود ایران سنگینی می کرد. موارد اصلی تجارت بین ایران و پاکستان، منسوجات، محصولات کشاورزی و فراورده های نفتی را شامل می شد. موضوع مهم در روابط دو کشور در این دوره، اعطای وام از سوی ایران به پاکستان بود. براساس اسناد موجود، در دوره حکومت پهلوی، یک فقره وام ۵۰۰ میلیون دلاری و یک وام ۳۵ میلیون دلاری به پاکستان پرداخت شده است. (وزارت بازرگانی، ۱۳۶۴: ۷۵) دولت ایران همچنین ضمانت وام ۳۰۰ میلیون دلاری سیتی بانک آمریکا به پاکستان را برعهده گرفت (وزارت بازرگانی، ۱۳۶۴: ۷۶). به جز این، ایران وامی را به مبلغ ۱۳ میلیون دلار برای تأسیس دو کارخانه نساجی در منطقه بلوچستان پاکستان اعطا کرد که ۵۱ درصد از سهام این کارخانه ها متعلق به دولت ایران بود. (وزارت بازرگانی، ۱۳۶۴: ۷۷)

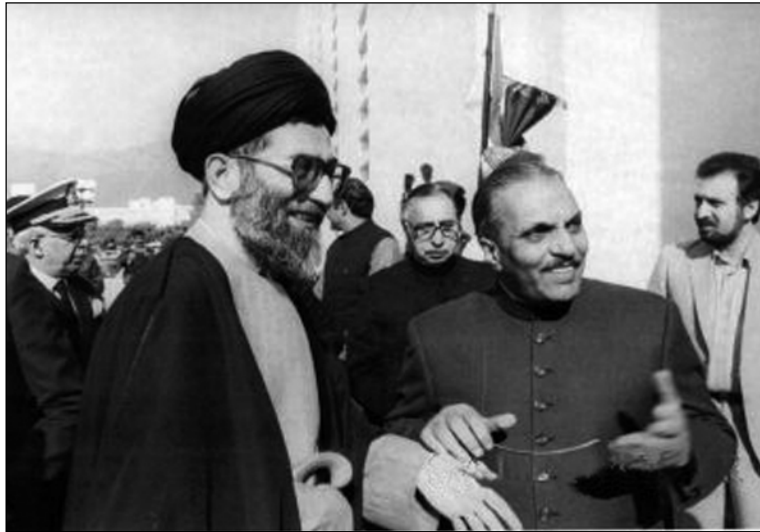
منطقه به دلیل اختلاف بر سر مساله بحرین و جزایر سه گانه تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی به شدت تیره شده بود. (Alam, 2004: 529) در مقابل، پاکستان نیز نزدیکی روزافزون ایران به هند را که با سفر ایندیپندیا گاندی در ۱۹۷۴ به ایران صورت گرفته بود، در تضاد با امنیت و منافع خود و در واقع توازن استراتژیک علیه خود می دانست. با وجود این، تیرگی در روابط دو کشور دیری نپایید و با سفر ذوالفقار علی بوتو به ایران در سال ۱۹۷۴ و سفر محمدرضا پهلوی به پاکستان در فوریه ۱۹۷۵ روابط دوستانه مجدداً برقرار شد (واعظی، در دست چاپ: ۶).

در سال های واپسین حکومت پهلوی در ایران، ایران در جهت میانجیگری برای بهبود روابط پاکستان با شوروی، هند و افغانستان و متقابلاً پاکستان در جهت بهبود روابط ایران با کشورهای خاورمیانه تلاش کردند (واعظی، در دست چاپ: ۶). پس از کودتای نظامی در پاکستان و روی کار آمدن ژنرال ضیاءالحق، وی تلاش کرد تا روابط دوستانه با ایران را ادامه دهد و درخصوص مسائل افغانستان پس از روی کار آمدن حکومت طرفدار شوروی تبادل نظر نماید. در این اثنا با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، فصل جدیدی در روابط دو کشور ایجاد شد که در بخش بعد به آن می پردازیم.

ج) روابط اقتصادی: اقتصاد پاکستان، یک اقتصاد ضعیف مبتنی بر بخش کشاورزی است. در حالی که اقتصاد می تواند یکی از زمینه های

در حالی که اقتصاد می تواند یکی از زمینه های مهم و اثرگذار در روابط بین ایران و پاکستان باشد اما رابطه دو کشور عموماً از مسائل سیاسی و امنیتی متأثر بوده است

قواسم و تغییر استراتژی سیاست خارجی عراق و خروج این کشور از پیمان بغداد و گسترش روابط آن با اتحاد جماهیر شوروی ادامه داشت. در این دوره و در جریان جنگ پاکستان و هند بر سر کشمیر، دولت عراق به حمایت از این کشور در مقابله هند برخاست. اما در دوره دوم با توجه به اینکه پاکستان و عراق در بلسوک های متفاوت قدرت جهانی قرار



داشتند سطح روابط آنها تنزل پیدا کرد.

از بدو شکل گیری روابط عراق و پاکستان، بخشی از استراتژی سیاست خارجی این کشور در قبال پاکستان، تحت تأثیر رقابت قدرت های جهانی و نیز رقابت قدرت های منطقه ای بوده است. به عنوان مثال فاکتور رقابت با ایران، یکی فاکتور مهمی در روابط عراق با پاکستان محسوب می شد. دولتمردان عراقی با توجه به رقابت و چالش تاریخی که از بدو شکل گیری با ایران داشته اند، با توجه به مرزهای طولانی زمینی ایران با پاکستان، همواره در این اندیشه بوده اند که بخشی از تمرکز سیاسی حکومت ایران را به همسایه شرقی اش معطوف سازند. نمود بارز این سیاست، حمایت عراق از جریانات جدایی طلب بلوچ ها در شرق ایران و پاکستان بوده است. در این زمینه، در دهه ۱۹۷۰ دولت پاکستان از نقشه مشترک شوروی و عراق برای ایجاد شورش جدایی طلبانه بلوچ های این کشور پرده برداشت. (Gupta, 1987: 28)

با این وجود، برخی اشتراکات بین دو کشور باعث شد که روابط آنها همچنان تداوم پیدا کند.

پیشینه روابط پاکستان و عراق

هر دو کشور عراق و پاکستان از کشورهای هستند که تاریخ شکل گیری آنها به عنوان یک کشور مستقل، نسبت به دیگر کشورهای منطقه از قدمت کمتری برخوردار است. روابط دیپلماتیک بین دو کشور در سال ۱۹۴۷ آغاز شد. (2010 Wikipedia, عراق نخستین کشور عرب بود که استقلال پاکستان را به رسمیت شناخت. (2010 Wikipedia, روابط عراق و پاکستان را می توان به دو دوره مشخص ذیل تقسیم کرد:

۱) دوره عضویت دو کشور در پیمان بغداد و اتحاد آنها در مقابله با گسترش کمونیسم،
۲) دوره خروج عراق از این پیمان و برقرای روابط نزدیک با کشورهای حامی بلوک شرق نظیر مصر و سوریه.

در مقطع نخست، تحت تأثیر اراده حاکم بر جهان دو قطبی، روابط نزدیکی بین دو کشور وجود داشت و سطح روابط سیاسی و اقتصادی بین آنها در حد مطلوبی بود. هر دو کشور در قالب بلوک بندی دوره جنگ سرد در چارچوب بلوک غرب قرار داشتند. این وضعیت تا زمان کودتای

از یکی از طرفین درگیر در جنگ تأمین می گردد. جنگ عراق با ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. این جنگ به مدت هشت سال یکی از حساس ترین و مهم ترین مناطق جهان را تحت تأثیر قرار داد. کشورهای همسایه ایران و عراق و نیز کشورهای منطقه و فرامنطقه، فراخور منافع که داشتند در قبال این جنگ به موضع گیری پرداختند. در طی این جنگ با توجه به اینکه عراق یک کشور عرب بود و نیز با توجه به اینکه پیروزی انقلاب اسلامی ایران نظم حاکم بر منطقه را به چالش کشیده بود، اکثر کشورهای عربی و قدرت های جهانی به حمایت از عراق پرداختند. در میان کشورهای منطقه، ترکیه و پاکستان از معدود کشورهایی بودند که موضع مستقلی را در قبال این جنگ اتخاذ کردند. استراتژی این دو کشور در قبال جنگ عراق و ایران، حفظ بی طرفی در کنار بهره برداری از فرصت های ایجاد شده در سایه این جنگ بود. این جنگ به لحاظ اقتصادی دستاوردهای زیادی را برای این دو کشور به همراه داشت.

پاکستان با توجه به هم مرز بودن با ایران و روابط نزدیکی که با این کشور داشت؛ در جریان جنگ تحمیلی، سیاست پیچیده ای را در پیش گرفت. برای تحلیل دقیق سیاست خارجی پاکستان در قبال جنگ ضرورتاً باید در وهله نخست، رویکردهای حاکم بر سیاست خارجی این کشور را بشناسیم.

رویکردها و اهداف حاکم بر سیاست خارجی پاکستان

۱) تقویت امنیت و حفظ تمامیت سرزمینی: اولین اصل مهم در سیاست خارجی پاکستان به حوزه راهبرد امنیتی و منافع حیاتی این کشور باز می گردد. حفظ تمامیت سرزمینی یکی از چهار مفهوم کلیدی دولت های ملی است. این اصل قاعده ای است که هیچ کشور دیگری نمی تواند

عراق و پاکستان به عنوان دو کشور اسلامی، از پتانسیل زیادی برای گسترش روابط برخوردار بودند. عراق به عنوان یک کشور صادرکننده نفت با اقتصاد روبه رشد، از جاذبه اقتصادی بالایی برای حل بخشی از مشکلات اقتصادی پاکستان برخوردار بود. در اقتصاد پاکستان، صدور نیروی کار این کشور به کشورهای نفتی ثروتمند منطقه و درآمد قابل توجهی که از این راه عاید این کشور می شود بسیار اهمیت دارد. از اینرو حضور نیروی کار پاکستانی در عراق می توانست کمک مؤثری به اقتصاد این کشور باشد. در آن دوره، هر دو کشور در موضع مشترکی در حمایت از آرمان فلسطین و مبارزه با اسرائیل بودند و هر دو کشور از جمله کشورهای پیشرو اسلامی در این زمینه محسوب می شدند. استراتژی پاکستان در خصوص عراق، تابعی از استراتژی این کشور در قبال کشورهای عرب و به ویژه کشورهای عرب حوزه خلیج فارس بود.

مؤثری به اقتصاد این کشور باشد. در آن دوره، هر دو کشور در موضع مشترکی در حمایت از آرمان فلسطین و مبارزه با اسرائیل بودند و هر دو کشور از جمله کشورهای پیشرو اسلامی در این زمینه محسوب می شدند. استراتژی پاکستان در خصوص عراق، تابعی از استراتژی این

کشور در قبال کشورهای عرب و به ویژه کشورهای عرب حوزه خلیج فارس بود.

بررسی مواضع پاکستان در قبال جنگ عراق علیه ایران

بروز جنگ بین دو کشور همسایه، خواه ناخواه فرصت ها و تهدیداتی را متوجه کشورهای ثالث می کند. اصلی ترین الگویی که کشورها در این مواقع از آن پیروی می کنند الگوی تأمین حداکثری منافع ملی است. منافع کشورها گاه در اعلام و حفظ بی طرفی و گاهی نیز در جانبداری

رابطه نزدیک آمریکا با
پاکستان، همواره یک فاکتور
مهم در روابط پاکستان با
ایران بوده است

است. مسأله کشمیر به اندازه ای برای پاکستان و هند اهمیت دارد که بسیاری از کارشناسان بر این باورند که وقوع هر جنگی در آینده بین دو کشور به خاطر کشمیر خواهد بود (آرنت، ۱۳۷۹: ۵۰).

۲) جذب منابع خارجی برای توسعه اقتصادی و تجاری: پاکستان از اقتصاد نابسامانی برخوردار است. صادرات و واردات این کشور با تراز منفی تجاری روبروست و از ساختارهای اقتصادی و تجهیزات پیشرفته صنعتی و نیروی متخصص بی بهره مانده است.

مسأله کشمیر برای پاکستان به عنوان یکی از جدی ترین عارضه ها برای تمامیت ارضی این کشور پس از جدایی از هند محسوب می شود

همچنین مخالفت نظامیان با کاهش چهل درصدی مخارج نظامی نسبت به هزینه های عمومی، ممانعت زمین داران بزرگ از اصلاح مالیات کشاورزی، قطع کمک های اقتصادی آمریکا به این کشور، عدم ثبات دولت ها و وجود کشمکشهای سیاسی،

به کاهش سرمایه گذاری داخلی و خارجی و افزایش بحران اقتصادی پاکستان کمک کرده است. حتی کشاورزی که مهم ترین بخش اقتصادی این کشور است، به علت مکانیزه نبودن، فئودالی بودن، و تغییرات جوی نامناسب، پاسخگوی نیازهای مصرفی پاکستان نیست به گونه ای که این کشور نیازمند واردات گندم است (فرزین نیا، ۱۳۷۶: ۳۸).

پاکستان از بدو استقلال، از کشورهای نیازمند بوده است. بیشتر کمک های خارجی به پاکستان از سوی کنسرسیومی مرکب از آمریکا، فرانسه،

در مورد آن مصالحه و سازش نماید. در خصوص پاکستان این اصل دارای دو وجه کلیدی است: یکی مسئله انسجام درونی و دیگری مسئله کشمیر (غرایاق زندی، ۱۳۸۴: ۲۷).

محیط درونی پاکستان از چند خرده فرهنگ مجزا تشکیل شده که این خرده فرهنگ ها در نواحی جغرافیایی متفاوتی ساکن هستند. در این راستا می توان از ناحیه پنجاب، ناحیه سند و مهاجرین، ناحیه بلوچستان، ناحیه سرحد، ناحیه کشمیر و مناطق شمالی و ناحیه سرائیکی نام برد (بهشتی، ۱۳۸۰: ۱۹).

پاکستان کشوری چند ملیتی، چند فرهنگی، چند زبانی و چند فرقه ای است و تنها وجه مشترک مردم پاکستان، اسلام و سرزمین است. مردم پاکستان از یک سو مسلمان و از سوی دیگر تحت تأثیر قومیت خود هستند و از جانب سوم، هویت ناحیه ای دارند. اختلافات قومی در این کشور به گونه ای است که تمایل برای خودمختاری، شورش و جدایی در میان مردم این کشور بسیار قدرتمند است. (Hilali, 2002: 3-4).

مسأله کشمیر برای پاکستان به عنوان یکی از جدی ترین عارضه ها برای تمامیت ارضی این کشور پس از جدایی از هند محسوب می شود. دولت پاکستان براساس نظریه دو دولت معتقد است چون اکثریت مردم منطقه کشمیر در شبه قاره هند، مسلمان هستند از این رو پاکستان به عنوان نماینده اصلی این مردم محسوب می شود، لذا این منطقه باید در اختیار پاکستان قرار داده شود. در مقابل هندی ها مسأله کشمیر را به سند الحاق ارجاع می دهند که به تمایل عمومی مردم کشمیر برای پیوستن به هند اشاره دارد (غرایاق زندی، ۱۳۸۴: ۲۹). تاکنون دو کشور چندین بار در سال های ۱۹۴۸ و ۱۹۶۱ به خاطر کشمیر با یکدیگر به جنگ پرداخته اند و درگیری مرزی متعددی نیز به صورت پراکنده بین دو کشور اتفاق افتاده

طرح ایجاد بانک توسعه اسلامی با سرمایه‌ای معادل ۲ میلیارد دلار که عمدتاً توسط کشورهای تولیدکننده نفت تأمین شده بود به تصویب رسید.

(Ministry of Foreign Affairs, 1977: 1-10)

سیاست پاکستان برای توسعه روابط با کشورهای اسلامی و اعتلای جایگاه این کشور در جهان اسلام عمدتاً بر نقش آفرینی در سازمان کنفرانس اسلامی متمرکز بود. در این راستا، در جریان ششمین کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی که در سال ۱۹۷۵ در شهر جدّه برگزار شد، پاکستان به عنوان رئیس کمیته بیت المقدس انتخاب شد و از سوی این کشور طرح‌هایی با هدف تدوین استراتژی برای آزادسازی فلسطین و شهر بیت المقدس ارائه شد (بورک و زایرینگ، ۱۳۷۷: ۴۴۸-۴۴۹).

سیاست خاورمیانه‌ای ذوالفقار علی بوتو نه تنها پیوندهای فرهنگی و سیاسی را بین پاکستان و این کشورها مستحکم کرد بلکه باعث شد کمک‌های مالی و اقتصادی در خور توجهی از سوی کشورهای اسلامی به پاکستان صورت بگیرد. جدول ذیل نشان‌دهنده بخشی از این کمک‌های اعطایی می‌باشد (بورک و زایرینگ، ۱۳۷۷: ۴۵۱).

انگلستان، ژاپن، کانادا، نروژ، سوئد، هلند و ایتالیا صورت می‌گیرد. برنامه توسعه سازمان ملل، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و نیز اتریش، بلغارستان، چین، دانمارک، فنلاند، رومانی، روسیه، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر و ایران نیز در مقاطع مختلف کمک‌هایی را در اختیار دولت‌های پاکستان قرار داده‌اند. از این رو، می‌توان گفت پاکستان از کشورهای مقروض جهان است. بدهی خارجی این کشور در سال ۱۳۷۴/۱۹۹۵، بالغ بر ۲۶ میلیارد دلار بوده است (فرزین نیا، ۱۳۷۶: ۳۸).

۳) همکاری با جهان اسلام: پس از استقلال پاکستان شرقی (بنگلادش) در سال ۱۹۷۴، به دلایل استراتژیک، توجه به دول اسلامی خاورمیانه در اولویت سیاست‌گذاری خارجی پاکستان قرار گرفت. این استراتژی جدید دولت پاکستان با ارتقای نقش کشورهای اسلامی صادرکننده نفت به دلیل افزایش قیمت این ماده و تأثیرگذاری مالی هرچه بیشتر این کشورها در اقتصاد جهانی مصادف گردید (بورک و زایرینگ، ۱۳۷۷: ۴۲۵-۴۲۶).

با مساعی دولت پاکستان در جریان کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی در کوالالمپور،

جدول کمک‌های مالی و اقتصادی کشورهای اسلامی به پاکستان در سال‌های ۱۹۷۲-۱۹۷۷

(ارقام به میلیون دلار می‌باشد)

ردیف	نام کشور	برنامه‌های عمومی	اجرای پروژه‌ها	برنامه‌های امدادی	مجموع کمک‌های واگذار شده
۱	ایران	۷۳۰	۷۵	۲/۷	۸۰۷/۵
۲	عربستان سعودی	-	۱۳۰	۱۰	۱۴۰
۳	امارات متحده عربی	۱۰۰	۹۲	۸	۲۰۰
۴	لیبی	۸۰	۵۳	۱۶	۱۴۹
۵	کویت	-	۴۵	۵	۵۰
۶	قطر	۴۷/۴۵	-	۱	۴۲/۴۵

خوبی واقف بوده اند که در صورت وقوع بحرانی بین این کشور و هند، نمی توانند بر حمایت همه جانبه آمریکا و غرب حساب بکنند. از این رو، پس از جنگ ۱۹۶۵، روابط پاکستان با چین علیرغم مخالفت هایی که آمریکایی ها داشتند به شدت توسعه یافت و به تدریج چین به متحد سیاسی و استراتژیک پاکستان تبدیل گردید (فرزین نیا، ۱۳۷۶: ۳۲).

(۵) ارتقا و تثبیت جایگاه پاکستان به عنوان یک قدرت منطقه ای: موقعیت ژئوپلیتیک کشور

پاکستان و تحولات

سیاسی - امنیتی
مناطق پیرامونی آن،
ایفای نقش فعال این
کشور به عنوان یک
قدرت منطقه ای را
ناگزیر ساخته است.
در سایه کشمکش
سیاسی - نظامی
پاکستان با هند، این
کشور برای حفظ
توازن قدرت نظامی
بین دو کشور، بخش
قابل ملاحظه ای از

از بدو تأسیس پاکستان تا به
امروز، مناسبات این کشور با
ایران همواره تحت تأثیر
معادله ای قرار داشته که هند
در آن مهمترین مفروض
شناخته می شود

منابع اقتصادی را برای افزایش کمی و کیفی نیروهای نظامی اش صرف کرد. در پرتو این سیاست، ارتش پاکستان به لحاظ آمادگی و نیز تعداد نیرو به یکی از قوی ترین نیروهای نظامی در سطح منطقه تبدیل شد. به دنبال اشغال نظامی افغانستان توسط ارتش شوروی و اوجگیری جنگ سرد بین دو ابرقدرت، پاکستان در کانون سیاست منطقه ای و بین المللی قرار گرفت. در واقع این کشور به عنوان نخستین خاکریز غرب و متحدان منطقه ای آن در برابر شوروی به شمار می رفت. کشورهای منطقه و نیز ایالات متحده

در خلال این دوره، کشورهای اسلامی به بزرگترین بازار صادراتی پاکستان تبدیل شدند و سهم این کشور از ۲۱ درصد تا یک سوم از واردات این کشورها افزایش یافت (بورک و زایرینگ، ۱۳۷۷: ۴۵۲).

(۴) رابطه با قدرت های بزرگ به ویژه ایالات متحده امریکا:
در استراتژی سیاست خارجی پاکستان، رابطه با قدرت های بزرگ از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. این کشور با توجه به چالش امنیتی که با هند دارد ناگزیر است برای حفظ توان رقابت با این کشور، پشتیبانی قدرت های بزرگ را داشته باشد. ایالات متحده آمریکا از جایگاه ویژه ای در سیاست خارجی پاکستان برخوردار است. رقابت دو ابرقدرت در دوران جنگ سرد در منطقه آسیای جنوب غربی، هند را متحد شوروی و پاکستان را متحد آمریکا ساخت. با حمله شوروی به افغانستان و نیز وقوع انقلاب اسلامی در ایران، در سیاست خارجی ایالات متحده هر چه بیشتر بر اهمیت محوری و سوق الجیشی پاکستان افزوده شد. بر این اساس، کمک های اقتصادی، سیاسی و نظامی قابل توجهی از سوی آمریکا در اختیار دولت های پاکستان قرار گرفت.

اگرچه اعطای این کمک ها با توجه به برخی تحولات داخلی و سیاست خارجی پاکستان با نوساناتی همراه بوده اما برای حل مشکلات اقتصادی این کشور بسیار حیاتی و مهم بوده است (غریاق زندی، ۱۳۸۴: ۴۸).

به جز ایالات متحده آمریکا، در سیاست خارجی پاکستان، رابطه با چین از اهمیت راهبردی بسیار زیادی برخوردار بوده است. اگرچه چین همواره در مدار کشورهای بلوک شرق قرار داشته اما به واسطه چالش و رقابتی که با هند داشته و دارد، می توانست متحد مطمئنی برای پاکستان باشد. سیاستمداران پاکستانی به

آمریکا از طریق پاکستان تلاش داشتند به مقابله با توسعه طلبی روس ها بپردازند.

روابط پاکستان با جمهوری اسلامی ایران

وقوع انقلاب اسلامی در ایران مرحله جدیدی را در روابط ایران و پاکستان رقم زد. پاکستان تنها کشور منطقه بود که به نوعی با این انقلاب همراهی نشان داد. با برداشت واقع گرایانه ای که حکومت پاکستان از ماهیت تحولات داخلی ایران داشت علیرغم اینکه این کشور روابطش را تا آخرین روز های

حکومت پهلوی با این رژیم حفظ کرد که نمونه آن سفر ژنرال ضیاءالحق به ایران در سپتامبر ۱۹۷۸ بود؛ با ایسن وجسود، وزیر کابینه او خورشید احمد آشکسارا از انقلاب ایران حمایت کرد. هر چند که برخی از مقامات پاکستانی بسه ایسن سیاست اعتراض کردند.

خورشید احمد در ۱۴ ژانویه ۱۹۷۸ با امام خمینی (ره) در پاریس دیدار کرد. ملاقات وی به منظور رساندن این پیام بود که پاکستان آماده است روابط دوستانه ای را با رهبر اسلامی ایران برقرار کند. (Alam, 2004:531)

پاکستان اولین کشوری بود که جمهوری اسلامی ایران را در ۲۱ بهمن ماه ۱۳۵۷ به رسمیت شناخت. (Alam, 2004: 529) به منظور آغاز روابط سیاسی و ارسال پیام ضیاءالحق به امام خمینی (ره) مبنی بر اینکه روابط ایران و پاکستان براساس اسلام تداوم خواهد یافت، مشاور ضیاءالحق در

امور خارجی در مارس ۱۹۷۹ به تهران سفر کرد و با کریم سنجابی وزیر خارجه دولت موقت و امام خمینی دیدار کرد (واعظی، در دست چاپ، ۷).

پیروزی انقلاب اسلامی همزمان با وقوع کودتای نظامی در پاکستان و سقوط دولت ذوالفقار علی بوتو، موجب پایان همکاری های سیاسی - اقتصادی دو کشور در ائتلاف های منطقه ای و شروع دور جدیدی از رقابت های سیاسی فیما بین دو کشور همسایه گردید. روابط ایران و پاکستان بعد از انقلاب عمدتاً متأثر از عوامل ذیل بوده است:

۱. روابط ایران با هند

از بدو تأسیس پاکستان تا به امروز، مناسبات این کشور با ایران همواره تحت تأثیر معادله ای قرار داشته که هند در آن مهمترین مفروض شناخته می شود. به عبارت دیگر، سیاست خارجی پاکستان، تا حد زیادی تحت تأثیر اختلاف با هند بر سر مسأله کشمیر قرار دارد و برقراری رابطه با کشورها از سوی پاکستان، به دوری و نزدیکی آنها به هند وابسته است. از سوی دیگر، ایران نیز در سیاست خارجی خود همیشه بر سر دو راهی انتخاب پاکستان یا هند قرار داشته است. در مقابل، پاکستان با توجه به مشکلات ساختاری که با هند دارد همواره برای همزیستی مسالمت آمیز با هر رژیمی در ایران تلاش نموده است. در واقع، ایران برای پاکستان نوعی موازنه بسیار سنگین در قبال هندوستان است (نظیف کار و دیگران، ۱۳۸۲: ۱۹۱). پاکستان در تحلیل نهایی، ایران را عقبه استراتژیک خود می داند. جبر جغرافیایی و پیوندهای تاریخی و فرهنگی باعث شکل گیری این برداشت در ذهن پاکستانی ها شده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، پاکستانی ها امیدوار شدند همانگونه که در دوره پهلوی، شاه ایران همواره جانب پاکستان را می گرفت، نظام

پاکستان اولین کشوری بود که جمهوری اسلامی ایران را در ۲۱ بهمن ماه ۱۳۵۷ به رسمیت شناخت

رفتن ایران، افزایش یافت.
(Alam, 2004: 529)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام، به قطع روابط ایران با آمریکا منجر شد. ایران به عنوان یک دولت انقلابی، از متحد نزدیک آمریکا به چالشگر اساسی وضع موجود در منطقه خلیج فارس تبدیل شد. (Alam, 2004: 529) این

در حالی بود که پاکستان با

کمک آمریکا به خط مقدم ائتلاف تحت رهبری آمریکا بر ضد حمله شوروی در افغانستان تبدیل شده بود. از سرگیری مجدد همکاری دفاعی با آمریکا یکی از دستاوردهای مهم این وضعیت، برای رژیم نظامی ضیاءالحق بود. (29: 1987 Gupta,

این یک واقعیت است که رابطه نزدیک آمریکا با پاکستان، همواره یک فاکتور مهم در روابط پاکستان با ایران بوده است. آمریکا در حالی که دوست پاکستان است دشمن و اصلی ترین تهدید برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نیز محسوب می گردد. از این رو، پاکستان تحت تأثیر روابطش با ایالات متحده، نمی تواند دامنه مناسباتش را با ج.ا.ایران تا هر سطحی که علاقمند است گسترش دهد. به عبارت دیگر "عامل آمریکا" مانع از توسعه مناسبات ایران و پاکستان است. (Alam, 2004: 533) با این وجود، پاکستان کاملاً به ماهیت استراتژیک روابطش با ایران واقف است لذا به گونه ای رفتار می کند که بتواند تعادل را در روابطش با این دو کشور حفظ کند.



حکومتی جدید ایران نیز، این بار از منظری ایدئولوژیک به حمایت کشور همسایه و مسلمان خود یعنی پاکستان برخیزد.

۲. روابط پاکستان با آمریکا

انقلاب اسلامی ایران در ۱۹۷۹ و حمله شوروی به افغانستان، ژئوپلیتیک منطقه را کاملاً تغییر داد و یک بازی جدید در سطح منطقه ای آغاز شد جایی که آمریکا ایران را از دست داد و شوروی افغانستان را بدست آورد. این دو تحول، تغییرات اساسی در روابط ایران و پاکستان ایجاد کرد. آمریکا، مداخله شوروی در افغانستان را به عنوان بخشی از استراتژی پایدار مسکو برای تأمین مرزهای جنوب غربی خود و افزایش نفوذ در خلیج فارس و اقیانوس هند قلمداد می کرد. (Alam, 2004:

حمله شوروی به افغانستان یک تقارن منافع استراتژیک را بین پاکستان و آمریکا ایجاد کرد. بعد از فاصله ای که پس از ذوالفقار علی بوتو بین دو کشور اتفاق افتاد، اهمیت پاکستان در محاسبات استراتژیک آمریکا به دلیل از دست

۳. فرقه گرایی در پاکستان

جامعه پاکستان دارای فرقه های مختلفی است که هر یک دارای ایده ها و تعصبات قومی و برداشت های مذهبی هستند که روز به روز بر دامنه شکاف آنها افزوده می شود.

یکی از کشورهایی که به شدت از انقلاب اسلامی ایران ملهم گردید کشور پاکستان بود. مردم پاکستان با آغوش باز از انقلاب اسلامی ایران استقبال نمودند و در این میان، شیعیان پاکستان بیش از هر گروه دیگری پذیرای انقلاب ایران گردیدند. بیش

از ۲۵ درصد مردم این کشور را شیعیان تشکیل می دهند. (Ahmar, 1995: 12) انقلاب اسلامی ایران یک نوع انسجام درونی و خود باوری را در شیعیان بوجود آورد. از تأثیرات بارز انقلاب اسلامی در پاکستان، سیاسی- تشکیلاتی شدن شیعیان پاکستان بود.

یکی از اساسی ترین دستاوردهای انقلاب در پاکستان، تأسیس نهضت اجرای فقه جعفری در ۲۴ فروردین ۱۳۵۸ بود. این سازمان مهم ترین تشکیلات شیعی در پاکستان بود که هدف اولیه آن بازبانی حقوق شیعیان بود (فاطمی، ۱۳۸۶). با نفوذ اندیشه های انقلابی شیعی در پاکستان، کشورهایی مانند عربستان سعودی با کمک بعضی کشورها به فکر ایجاد گروه تروریستی بنام سپاه صحابه برای مقابله با گسترش و نفوذ هر چه بیشتر انقلاب اسلامی در پاکستان و واکنش در برابر نهضت جعفریه افتادند. به دلیل حمایت

آمریکا و کشورهای عرب
حامی عراق حاضر به اعطای
هرگونه کمک مالی و نظامی
به پاکستان بودند تا این
کشور به نفع عراق در این
جنگ مداخله کند

قاطعانه نهضت جعفریه از شیعیان پاکستان و انقلاب اسلامی ایران، این حزب و حامیان آن همواره هدف اصلی فرقه گرایان و عاملان آنها بوده اند (فاطمی، ۱۳۸۶). علیرغم اینکه ضیاءالحق اولین زمامداری بود که پیروزی انقلاب اسلامی را تبریک گفت و نظام انقلابی ایران را به رسمیت شناخت، اما به تبع تشدید برخوردهای فرقه ای، نقش سیاسی شیعیان در دولت ضیاءالحق کاهش یافت و زمینه گرایش او به صف مخالفین انقلاب اسلامی هموار شد. (Ahmar, 1995: 29) به این ترتیب دور تازه ای از تشدید برخوردهای فرقه ای علیه شیعیان آغاز شد که این بار برخوردها بسیار شدید و سازمان یافته تر بود. تا این زمان معدود برخوردهای شیعه و سنی فقط در ایام محرم در بین پاره ای افراط و تفریط و برخوردهای خرافی برخی شیعیان و یا تنگ نظری های بعضی فرق اهل سنت صورت می گرفت. اما از آن پس، این برخوردها به شکل کاملاً سازمان یافته صورت می گرفت و سازمانی عریض و طویل و برخوردار از کمک های بی دریغ امریکا و عربستان سعودی به مبارزه با شیعیان و حمله به منافع ج.ا.ایران در پاکستان مبادرت کردند (امری، ۱۳۸۳: ۲۴۹).

اگرچه به ظاهر این مساله مشکل داخلی پاکستان بود اما از آنجا که منجر به کشته شدن برخی شهروندان ایرانی و از جمله دیپلمات های ایران شد بر روابط دو کشور اثر گذاشت.

۴. اشغال افغانستان توسط شوروی

روز ۲۷ دسامبر سال ۱۹۷۹ میلادی نیروهای ارتش شوروی به خاک افغانستان حمله ور شدند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۲/۵/۲۰). اشغال افغانستان به وسیله شوروی، رقابت شرق و غرب در این کشور، جنگ و جهاد داخلی، کشتار شیعیان و آواره شدن میلیون ها نفر، مواد مخدر و ... از جمله مسائلی بودند که امنیت ملی جمهوری

مولفه های تأثیرگذار بر موضع گیری پاکستان در قبال جنگ عراق با ایران

موضع دولت پاکستان در قبال جنگ ایران و عراق تحت تأثیر مولفه های ذیل قرار داشت:

(۱) روابط نزدیک پاکستان با آمریکا

به دنبال پیروزی انقلاب ایران و موج دشمنی که در روابط ایران و آمریکا به وجود آمد، این کشور از تمام ابزارها برای ضربه زدن و تنبیه نظام اسلامی ایران بهره گرفت. جنگ عراق علیه ایران نیز یکی از راهبردهای آمریکایی برای سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران بود.

با استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، استراتژی ایالات متحده در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس دچار تغییری شد. در استراتژی جدید آمریکا، پاکستان نقش

جنگ تحمیلی عراق

علیه ایران، از بعد اقتصادی،

فرصت های مطلوبی را در

اختیار دولت پاکستان

قرار داد

ویژه ای را عهده دار شد. در چارچوب دکترین کارتر، ایالات متحده متعهد شد از کشورهای عرب حوزه خلیج فارس در برابر تهدید ایران یا هر کشور دیگری دفاع کند و نیروی واکنش سریع آمریکا برای دفاع از کشورهای مزبور در منطقه خلیج فارس مستقر شد. (Gupta, 1987: 28) در موضوع اشغال افغانستان توسط ارتش شوروی، پاکستان به کشور خط مقدم برای مقابله با ارتش شوروی تبدیل شد. در سایه ایفای این نقش، پاکستان از انواع کمک های اقتصادی و نظامی آمریکا و غرب برخوردار شد. ایالات متحده در

اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار داد؛ لذا این کشور در جهت تأمین امنیت و منافع خود به ناچار در تحولات و مسائل افغانستان درگیر شد. پاکستان نیز همچون ایران، از جنبه های مختلف تحت تأثیر مسائل افغانستان بود. روابط قومی پشتون های پاکستان با پشتون های افغانستان، سیل مهاجرین افغانی به این کشور و نیز فعالیت گروه های اسلامی طرفدار گروه های جهادی در این کشور، پاکستان را نیز به دخالت در مسئله افغانستان وادار می کرد. ایران و پاکستان برای گسترش حوزه نفوذشان در افغانستان، رقابت تنگاتنگی داشتند که در مواقع زیادی این رقابت، به تیرگی روابطشان منجر شد. (Ahmar, 1995: 33) حوزه نفوذ ایران در افغانستان، عموماً به افغان های شیعه، تاجیک ها و هزاره ها که به لحاظ مذهبی و نژادی با ایران نزدیک تر بود محدود می شد، در حالی که حوزه نفوذ پاکستان، اهل سنت و نیز پشتون ها را دربر می گرفت (شفیعی، ۱۳۸۷).

قرابت زبانی و فرهنگی تاجیک ها و هزاره ها با مردم ایران، در دوره اشغال افغانستان به وسیله روس ها و جنگ داخلی افغانستان و ظهور طالبان کاملاً خود را نشان داد. شیعه های هزاره و تاجیک حنفی مذهب، اکثریت قاطع جمعیت مهاجر افغانستانی به ایران را تشکیل می دادند (شفیعی، ۱۳۸۷).

با تهاجم شوروی به افغانستان، پاکستان بار دیگر روابط استراتژیک خود را با آمریکا گسترش داد. امری که در آن زمان باعث تیرگی روابط ایران و پاکستان شد اما پس از آنکه دو کشور به منافع مشترک خود در بیرون راندن نیروهای شوروی از افغانستان پی بردند تا حدی برطرف گشت. حمله شوروی به افغانستان منبع نگرانی برای هر دو کشور بود اگرچه آنها اولویت های متفاوتی را در افغانستان دنبال می کردند.

در بحبوحه جنگ و در شرایطی که ارتش عراق در موضع ضعف قرار داشت و بندر فاو توسط نیروهای ایران تصرف شده بود یک گروه از ناوگان آمریکا مرکب از ۵ کشتی جنگی و تعدادی زیردریایی، تحت فرماندهی ناو اتمی اینترپرایز در بندر کراچی پاکستان مستقر شدند. (Chopra, 1995: 29). ایالات متحده و متحدین منطقه ای آن نظیر عربستان سعودی شدیداً دولت پاکستان را تحت فشار قرار داده بودند تا در این جنگ از عراق حمایت نکند. لازم به یادآوری است پاکستان در مورد جنگ عراق با ایران برخلاف دیگر کشورها، از همان آغاز عراق را به عنوان تجاوزگر اعلام کرده بود (Chopra, 1995: 29). علیرغم این فشارها، دولت پاکستان کاملاً به اهمیت استراتژیک روابطش با ایران آگاه بود. در این رابطه دولت پاکستان سیاست بسیار پیچیده‌ای را در پیش گرفت تا بتواند روابطش را به نوعی با همه این کشورها حفظ کند.

۲) روابط پاکستان با کشورهای حوزه خلیج فارس

در دوره مورد بحث، برقراری روابط نزدیک با کشورهای عرب منطقه خلیج فارس یک اصل مهم در استراتژی منطقه‌ای پاکستان بود. روابط پاکستان با عربستان سعودی و دیگر کشورهای عرب منطقه خلیج فارس، در سایه نقشی که این کشور در قبال اشغال افغانستان توسط ارتش شوروی ایفا می‌کرد بسیار صمیمانه و نزدیک بود. در این راستا، عربستان سعودی و دیگر کشورهای عرب، کمک‌های مالی در خور توجهی را در اختیار دولت پاکستان قرار می‌دادند. (Ahmar, 1995: 32) این کمک‌ها عمدتاً برای پذیرایی از میلیون‌ها پناهنده افغانی بود که در پاکستان حضور داشتند و تجهیز و آموزش این پناهندگان و نیز داوطلبان دیگری که از کشورهای اسلامی به پاکستان عازم می‌شدند تا به مجاهدین

نظر داشت رژیم نظامی پاکستان را به عنوان جایگزینی برای شاه ایران مطرح کند و برخی از کارکردهای ایران قبل از انقلاب را در زمینه تأمین نظم و امنیت منطقه خلیج فارس به این کشور بسپارد. (Montazeran and Mumtaz, 2010: 30) البته در این زمینه موانعی نیز وجود داشت که رقابت پاکستان با هند و جو ضد آمریکایی حاکم بر افکار عمومی پاکستان از این جمله بود.

در جریان جنگ ایران و عراق و در شرایطی که نیروهای نظامی ایران پس از پیشروی‌های اولیه ارتش عراق، ابتکار عمل را در جبهه‌های جنگ به دست گرفته و علاوه بر بازپس گرفتن مناطق اشغالی، جنگ را در خاک آن کشور دنبال می‌کردند؛ دولتمردان آمریکایی درصدد بودند با کشاندن پاکستان به حلقه کشورهای حامی عراق و تیره ساختن روابط این کشور با

ایالات متحده در نظر داشت
رژیم نظامی پاکستان را به
عنوان جایگزینی برای شاه
ایران مطرح کند

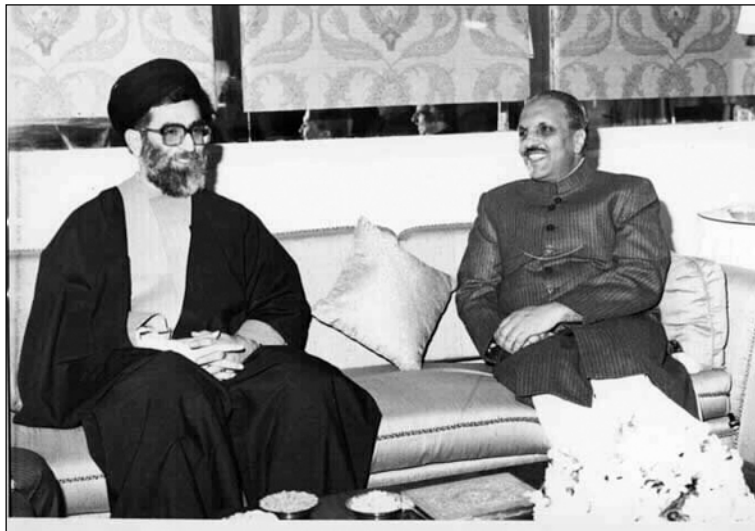
ایران، نظام انقلابی ایران را از مرزهای شرقی و غربی‌اش تحت فشار قرار دهند. در این راستا، بوش در ۱۹۸۴ در جریان دیدارش از پاکستان، طرحی را برای ضیال‌الحق مطرح کرد که آمریکا به پاکستان کمک می‌کرد تا تعدادی از مجاهدین افغان را برای بی‌ثبات کردن بلوچستان ایران تربیت کند. (Alam, 2004: 529) ضیال‌الحق این طرح را قاطعانه در یک کنفرانس مطبوعاتی در لاهور و درست قبل از اینکه بوش پاکستان را ترک کند رد کرد که این موضوع ناراحتی رئیس‌جمهور آمریکا را سبب شد. (Alam, 2004: 529)

کشورها در شرایطی که دامنه و شدت جنگ ایران رو به تصاعد بود عامل مهمی بود که پاکستان را با امنیت منطقه خلیج فارس پیوند می داد. در صورتی که عربستان سعودی یا امارات متحده عربی به طرفسداری از عراق، در جنگ مداخله می کردند نیروهای پاکستانی، تحت امر فرماندهان این کشورها ناگزیر از رویارویی نظامی با ارتش ایران می شدند؛

وضعیتی که اصلاً خوشایند دولتمردان و مردم پاکستان نبود و این کشور را بر سر دو راهی سرنوشت سازی قرار می داد.

۳) بهره برداری از فرصت های اقتصادی ایجاد شده

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، از بعد اقتصادی، فرصت های مطلوبی را در اختیار دولت پاکستان قرار داد. از سویی کشورهایی همچون آمریکا و کشورهای عرب حامی عراق حاضر به اعطای هرگونه کمک مالی و نظامی به پاکستان بودند تا این کشور به نفع عراق در این جنگ مداخله کند. از سوی دیگر دولت ایران نیز برای اینکه نظر مساعد پاکستان را داشته باشد یا حداقل مانع از گرایش آن به اردوگاه رقیب شود حاضر به دادن امتیازات اقتصادی به این کشور بود. در شرایطی که جنگ در جبهه های نبرد و در خلیج فارس رو به تصاعد بود و ایران از سوی آمریکا، شوروی و غرب مورد تحریم تسلیحاتی قرار داشت؛ ترکیه و پاکستان، عمده ترین کانال های ارتباطی این کشور برای ارتباط با خارج از کشور بودند.



افغانی بپیوندند، در اختیار دولت پاکستان قرار می گرفت. (Ahmar, 1995: 33) در این راستا، باوایمی که از سوی عربستان سعودی در اختیار پاکستان قرار گرفت این کشور توانست ۴۰ فروند هواپیمای F-16 را از ایالات متحده خریداری کند. (33: 1995 Ahmar,

به جز مسئله افغانستان، مسئله دیگری که روابط نزدیک پاکستان با کشورهای عرب خلیج فارس را به دنبال داشت موضوع حضور نیروهای نظامی پاکستان در این کشورها بود. بیش از ۳۰ هزار نفر از نظامیان پاکستانی در رده تخصصی در ارتش کشورهای عربستان سعودی، امارات متحده عربی و عمان، تحت فرماندهی فرماندهان این کشورها خدمت می کردند. (530: 2004 Alam, وظیفه اصلی این نیروها آموزش نحوه استفاده از سلاح های پیشرفته ای بود که کشورهای یاد شده از آمریکا و غرب خریداری می کردند. از این تعداد نیرو، ۲۰ هزار نفر در عربستان سعودی و ۱۰ هزار نفر در امارات متحده و عمان خدمت می کردند. (30: 1995 Chopra) حضور این تعداد نیروی نظامی پاکستانی در این

۴) افکار عمومی داخل پاکستان

با توجه به قرابت فرهنگی، تاریخی و مذهبی که در طول تاریخ بین ایران و پاکستان وجود داشته، برای مردم پاکستان رابطه با ایران از اهمیت زیادی برخوردار است. این موضوع پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تا حد زیادی تقویت شد. پیروزی انقلاب اسلامی ایران آثار عمیقی در داخل پاکستان به جای گذاشت و مردم این کشور، توجه و علاقه مندی خاصی نسبت به این موضوع از خود نشان دادند. پیروزی یک نظام اسلامی در ایران با فرهنگ اسلامی مردم پاکستان همخوانی داشت (محمد خرزهری، ۱۳۸۹). انقلاب اسلامی ایران در بدو امر، کل جامعه پاکستان را تحت تأثیر خود قرار داد. تحت تأثیر این تحول، ژنرال ضیاء الحق ناگزیر شد روند اسلامی کردن امور را، که وعده آن را داده بود، سرعت بخشد (محمد خرزهری، ۱۳۸۹). همچنین متفکرانی چون علامه مودودی، رهبر جماعت اسلامی پاکستان، از انقلاب اسلامی حمایت نمود و آن را پدیده‌ای امیدبخش و رهایی‌بخش در جهت اجرای دستورات اسلام قلمداد کرد. ایشان در پاسخ به پرسشی پیرامون دیدگاهشان نسبت به انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی (ره) اعلام کرد: «انقلاب خمینی یک انقلاب اسلامی است ... کلیه مسلمانان به طور کلی و جنبش‌های آزادی‌بخش به طور اخص باید از این انقلاب حمایت کنند و در کلیه زمینه‌ها با آن همکاری کنند. (محمد خرزهری، ۱۳۸۹).

درخصوص میزان تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر جامعه پاکستان می‌توان به این نکته اشاره کرد که پس از اشغال سفارت امریکا در تهران، پاکستان دومین کشوری بود که سفارت امریکا در آن مورد هجوم قرار گرفت (فاطمی، ۱۳۸۶). آنچه در پاکستان به فاصله کمی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران رخ داد برخی را به

این باور رساند که پاکستان، حلقه دوم انقلاب اسلامی است. شیرین هانتر در اینباره می‌نویسد: «جاذبه ایران برای فعالان مسلمان و حتی آنهایی که به طور اخص فعالیت‌های نداشتند ولی مایلند که جوامع و دولت‌ها در راستای اصول اسلامی حرکت کنند بدین جهت است که ایران تنها کشوری است که در آن اسلام به طور رسمی اساس و ارگان جامعه و حکومت شده است و نتیجتاً بسیاری از مسلمانان معتقدند که حمایت از این کشور وظیفه هر مسلمانی است. بیانات ابوالاعلی مودودی منعکس‌کننده این احساسات است.» (محمد خرزهری، ۱۳۸۹)

نمونه دیگری از این تأثیر، اعتراض گسترده مردم، مطبوعات و احزاب پاکستانی به استقرار ناوهای جنگی آمریکا در بندر کراچی در سال‌های پایانی جنگ تحمیلی بود که دولت وقت آن کشور را با محذورات فراوانی مواجه کرد. (Gupta, 1997: 32)

تحت تأثیر پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، فعالیت جریانات و گروه‌های شیعی پاکستان تشدید شد و بر وزن سیاسی آنها در جامعه پاکستان تا حد زیادی افزوده شد به نحوی که حکومت وقت علیرغم گرایشی که به گروه‌های سنی مذهب داشت نمی‌توانست دیگر آنها را نادیده بگیرد. دولت پاکستان ناگزیر بود در هر سیاستی که در قبال جنگ ایران و عراق اتخاذ می‌کرد جایگاه قابل توجه جمهوری اسلامی ایران در افکار عمومی، به ویژه در نزد احزاب و گروه‌های شیعی را در نظر بگیرد. (33: 1995 Ahmar,

عملکرد پاکستان در دوره جنگ تحمیلی

با توجه به مولفه‌هایی که توضیح داده شد، عملکرد پاکستان را در قبال جنگ عراق علیه ایران می‌توان در سه مقطع جداگانه مورد تحلیل قرار

داد: الف) میانجیگری برای پایان جنگ، ب) سکوت در برابر تحولات جنگ و ج) تلاش برای پایان جنگ.

الف) میانجیگری برای پایان جنگ: وقوع جنگ بین عراق و ایران، اتفاق غیرمنتظره‌ای بود که دولتمردان پاکستانی را غافلگیر کرد. جنگ بین عراق و ایران و حمله شوروی به افغانستان، پاکستان را در مسائلی دو همسایه شمالی و غربی اش درگیر کرد. بالطبع ماهیت این دو جنگ تفاوت اساسی با یکدیگر داشت. در مقایسه بین این دو جنگ، جنگ افغانستان برای دولتمردان پاکستانی پذیرفتنی‌تر بود و می‌توانست منافع کوتاه مدت و بلندمدت بیشتری را برای این کشور داشته باشد. اما جنگ بین عراق و ایران، وضعیت غامضی را در برابر حکومت پاکستان قرار داد. پاکستان از یک سو روابط بسیار نزدیک و دوستانه‌ای با جمهوری اسلامی ایران داشت و در رقابت استراتژیکی که بین پاکستان و هند وجود داشت، پاکستان همواره در نظر داشت همراهی دولت‌های ایران را داشته باشد. از سوی دیگر در این جنگ، عراق بعنوان یک کشور عرب از حمایت کشورهای عرب و همچنین آمریکا و غرب برخوردار بود. پاکستان روابط راهبردی و گسترده‌ای با ایالات متحده داشت و روابط این کشور با دول عرب منطقه نیز امتیازات اقتصادی بسیاری برای پاکستان به همراه داشت. از اینرو، جنگ ایران و عراق اتفاق خوشایندی برای حکومت پاکستان نبود. از آغازین روزهای جنگ، دولت پاکستان در مورد این جنگ موضع بی‌طرفی اتخاذ کرد، هرچند که دولتمردان این کشور در محافل خصوصی و در دیدارهایی که با مقامات جمهوری اسلامی ایران داشتند به نوعی بر متجاوز بودن رژیم عراق در جنگ اذعان می‌کردند (اردستانی، ۱۳۸۲: ۱۶۴). دولت پاکستان با مخالفت با طرح تحریم اقتصادی ایران به خاطر

ماجرای اشغال سفارت آمریکا در تهران، نشان داد که اهمیت فراوانی برای رابطه با ایران قائل است (محمد خرزهری، ۱۳۸۹: ۱۱). در این مرحله، حکومت وقت پاکستان تلاش زایدالوصفی را برای میانجیگری بین دو کشور جهت پایان دادن به جنگ بین دو کشور اسلامی انجام داد. در این زمینه، دولت پاکستان از تمام توان دیپلماتیک داخلی و خارجی برای حل این بحران بهره گرفت. ژنرال ضیاءالحق، رئیس‌جمهور این کشور، بارها همراه با برخی دیگر از رهبران کشورهای اسلامی و

در قالب کمیته صلح سازمان کنفرانس اسلامی، به ایران و عراق سفر کرد تا موافقت رهبران دو کشور را برای پایان دادن به جنگ جلب کند (اردستانی، ۱۳۸۲: ۱۶۶). این تلاش‌ها هیچ نتیجه‌ای در برنداشت (فوزی، انصاری و لطف‌ا... زادگسان، ۱۳۶۵: ۶۲).

به گونه‌ای که وی در مصاحبه با روزنامه الشرق الاوسط به صراحت اعلام کرد: «رهبران دو کشور هیچ رغبتی برای پایان دادن به جنگ ندارند و در چنین شرایطی هرگونه اقدام برای میانجیگری، بی‌نتیجه خواهد بود.» (نخعی، ۱۳۷۹: ۶۴). کمیته میانجیگری از زمان تشکیل آن در سال ۱۹۸۱ در حدود هشت گردهمایی در سطح سران، برگزار کرد که این اجلاس‌ها نتیجه خاصی را به دنبال نداشت. ضیاءالحق معتقد بود جنگ عراق و ایران فقط به نفع اسرائیل و شوروی و دشمنان امت اسلامی می‌باشد و این جنگ باعث شده مسائل

بیش از ۳۰ هزار نفر از
نظامیان پاکستان در
کشورهای عربستان سعودی،
امارات متحده عربی و عمان
خدمت می‌کردند

کسب آمادگی‌های لازم، به مقابله با این تجاوز نظامی پرداختند. با تغییراتی که در ساختار نظامی ایران صورت گرفت و با افزایش قابلیت‌های سپاه پاسداران و بسیج و با همراهی ارتش، نیروهای نظامی ایران ابتکار عمل را در جبهه‌ها بدست گرفتند. در جریان عملیات‌های نظامی موفقیت آمیزی که توسط آنها طراحی و اجرا شد بخش بزرگی از مناطق اشغال شده از نیروهای عراقی بازپس گرفته شد و در قالب استراتژی تنبیه متجاوز، جنگ در خاک عراق تداوم پیدا کرد. با شکست‌های پیاپی ارتش عراق، موج حمایت کشورهای حامی این کشور نیز به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش پیدا کرد. در این راستا کشورهای چوچون ایالات متحده، عربستان سعودی، کشورهای عربی، کشورهای اروپایی و حتی شوروی، حمایت همه‌جانبه‌ای را از عراق به عمل آوردند. با موفقیت‌های نظامی ایران، جامعه جهانی با حساسیت بیشتری تحولات جنگ عراق و ایران را مورد توجه قرار داد.

طبیعتاً هرچه می‌گذشت حفظ موضع بی‌طرفی برای کشور چوچون پاکستان سخت‌تر می‌شد. این کشور با توجه به تعهدات نظامی خاصی که نسبت به ایالات متحده داشت ناگزیر بود در صورت لزوم با نیروهای نظامی این کشور در منطقه همکاری کند. همچنین با توجه به مراودات نظامی قابل توجهی که با کشورهای عرب منطقه خلیج فارس داشت نمی‌توانست نسبت به تهدیدات امنیتی که در نتیجه این جنگ علیه امنیت این کشورها شکل گرفته بود بی‌تفاوت باشد. علیرغم تداوم جنگ عراق و ایران، پاکستان همچنان سعی در حفظ روابط خویش با جمهوری اسلامی ایران داشت. در سال ۱۹۸۲ یک هیأت اقتصادی ایران به پاکستان سفر کرد و درباره خرید برخی کالاهای مورد نیاز از پاکستان،

افغانستان و فلسطین تحت الشعاع قرار گیرد. در نهایت پس از تلاش‌های گوناگون ضیاءالحق و عدم نتیجه قطعی از خاتمه جنگ، وی به دیدارهایش خاتمه داد و اعلام کرد هر وقت ایران و عراق آماده پذیرش درخواست‌ها باشند با اشاره آنها آماده مسافرت بین طرفین و رفع اشکال خواهد بود (نخعی، ۱۳۷۹: ۱۰۱). در کنار این اقدامات، دولت پاکستان در بُعد دیپلماتیک تلاش می‌کرد حساسیت کشورهای عرب را نسبت به جمهوری اسلامی ایران کاهش دهد. در این راستا وزیر خارجه پاکستان

در جریان کنفرانس طائف به دفاع از مواضع جمهوری اسلامی پرداخت. (Chopra, 1995:55) در این مقطع، دولت عراق اقداماتی را برای ایجاد ناآرامی در منطقه بلوچستان ایران انجام داد. هدف دولت صدام از این اقدام، مشغول کردن بخشی از نیروهای

نظامی ایران در مرزهای شرقی این کشور بود (Iraqi support of Baloch rebels: 2010) در این راستا این کشور مقدار زیادی سلاح و مهمات، از طریق مرز پاکستان به منطقه بلوچستان ایران حمل کرد و در اختیار سران قبایل بلوچ قرار داد (لطف‌ا... زادگان، ۱۳۷۳: ۲۱۸).

ب) سکوت در برابر تحولات جنگ: پس از موج اولیه هجوم نظامی ارتش عراق به خاک ایران و شکل‌گیری هسته‌های مقاومت مردمی در برابر این تجاوز نظامی، به تدریج نیروهای نظامی جمهوری اسلامی ایران با بازبانی موقعیت و

آمریکا و عربستان سعودی، دولت پاکستان را تحت فشار قرار داده بودند تا این کشور با قطع روابطش با جمهوری اسلامی ایران، به حمایت از عراق بپردازد

سال ۱۳۶۴ در راستای گسترش همکاری های اقتصادی میان کشورهای ایران، پاکستان و ترکیه، پیمان آر.سی.دی تحت عنوان سازمان همکاری های اقتصادی (اكو) بار دیگر احیا شد. در واقع، اهدافی که برای این سازمان در نظر گرفته شده بود همان اهداف پیمان آر.سی.دی بود. شکل گیری سازمان جدید در قالب اكو می توانست موقعیت ایران را در سطح منطقه ای افزایش داده و از مشکلات اعضا بکاهد (محمد خرزهری، ۱۳۸۹). شوروی و آمریکا هر کدام بر اساس منافع و دیدگاههایشان با توسعه اكو مخالف بودند. ایالات متحده در راستای سیاست مهار ایران و بدلیل اینکه ایران در میان کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان دارای پیوندهای تاریخی، قومی و زبانی بود با پیشرفت سازمان اكو مخالف بود و در مقابل پیشرفت آن سنگ اندازی می کرد (محمد خرزهری، ۱۳۸۹).

مهم ترین اقدام پاکستان در طول جنگ تحمیلی موافقت با استفاده ایران از بنادر کراچی و قاسم برای واردات کالاهای مورد نیازش بود

پاکستان هم زمان با حفظ روابطش با جمهوری اسلامی ایران، در تلاش بود روابطش را با کشورهای عرب خلیج فارس و نیز با ایالات متحده آمریکا حفظ کند. همانگونه که گفته شد تعداد قابل توجهی از نیروهای نظامی پاکستان در سه کشور عربستان، امارات متحده عربی و عمان حضور داشتند و این امر، درآمد قابل توجهی برای دولت پاکستان داشت. ضمن اینکه رابطه با آمریکا نیز برای پاکستان امتیازات نظامی و اقتصادی

تزانزیت کالا از هند با استفاده از راه آهن پاکستان و اتصال راه آهن ایران به پاکستان با مقامات آن کشور مذاکره نمود. از این به بعد روابط دو کشور سیر صعودی را طی نمود و با سفر دکتر ولایتی وزیر امور خارجه در مارس ۱۹۸۲ به پاکستان و پس از آن سفر غلام اسحاق خان وزیر دارایی پاکستان به ایران مناسبات به بالاترین سطح خود پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران رسید (وزارت بازرگانی، ۱۳۶۴: ۱۴۰). در اعلامیه مشترکی که در پایان سفر دکتر ولایتی انتشار یافت طرفین اعلام کردند در مذاکرات انجام شده، مسائل بین المللی و منطقه ای مورد علاقه دو کشور مورد بحث قرار گرفته و خواستار توسعه روابط اقتصادی و فرهنگی و سیاسی بین دو کشور شدند. دولت پاکستان متعهد شد مجرمین (عادی و سیاسی) فراری ایران را به این کشور تحویل خواهد داد (وزارت بازرگانی، ۱۳۶۴: ۱۴۱). در اوایل سال ۱۹۸۳ وزیر کشور ایران از پاکستان بازدید نمود و بسیاری از مسائل مرزی حل و فصل گردید و قرار شد سالانه کمیسیون مشترکی در این مورد تشکیل شود. پس از آن، روابط دو کشور تا حدودی افت کرد که درگیری های شیعه و سنی در کراچی و ادعای دخالت ایران در آن و گسترش روابط پاکستان با کشورهای عربی در این زمینه مؤثر بود. (2009 Malik, سفر وزیر کشور و وزیر خارجه پاکستان به ایران در سال ۱۹۸۴ تحرکی در روابط دو کشور ایجاد کرد. از سوی دیگر کمیسیون مشترک وزرای ایران و پاکستان در اواخر سال ۱۹۸۴ با شرکت وزرای دارایی و امور اقتصادی دو کشور در اسلام آباد تشکیل شد و در خاتمه یک موافقت نامه درباره تشکیل رسمی کمیسیون مشترک دو کشور و یک یادداشت تفاهم راجع به همکاری در زمینه های تجاری، فنی و علمی به امضاء رسید (Embassy of the I.R.Iran, 2010).

ارمغان داشته باشد اما دولتمردان پاکستانی کاملاً به اهمیت استراتژیک روابطشان با ایران واقف بودند. پاکستان با توجه به تجربه تلخی که در جریان جنگ با هند در زمینه برخورداری از حمایت‌های آمریکا داشت در این شرایط نیز به وعده‌هایی که از سوی این کشور داده می‌شد چندان خوشبین نبود. از سوی دیگر برخلاف کشورهای چون عربستان و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، پاکستان دارای مرزهای زمینی طولانی با ایران بود و اگر روابطش با جمهوری اسلامی ایران دچار چالش می‌شد با توجه به نفوذی که جمهوری اسلامی ایران در بین گروه‌های شیعی این کشور داشت ممکن بود بحران داخلی گریبان این کشور را بگیرد. (30 Gupta, 1987) به جز شیعیان، گرایش کل جامعه پاکستان نیز شدیداً ضد آمریکایی بود و ممکن بود در صورت همکاری پاکستان با آمریکا، اعتراضات مردمی بالا بگیرد.

با توجه به تبلیغاتی که در این زمینه از سوی رسانه‌های منطقه‌ای و غربی صورت می‌گرفت نخست وزیر پاکستان طی یک مصاحبه ضمن تأکید بر بی‌طرفی کشورش در جنگ ایران و عراق، ایفای نقش پاکستان در خلیج فارس در قبال دریافت تسهیلات از ایالات متحده را تکذیب کرد و اعلام کرد پاکستان به هیچ وجه در جنگ خلیج فارس دخالت نخواهد کرد (انصاری و یزدان فام، تهران: ۴۶۲). در این شرایط، علیرغم فشارهای موجود، دولت پاکستان تصمیم به حفظ و گسترش روابطش با جمهوری اسلامی ایران گرفت. مهم‌ترین اقدام در این زمینه، موافقت پاکستان با استفاده ایران از بنادر کراچی و قاسم برای وارد کردن کالاهای مورد نیازش بود. براساس موافقتنامه‌ای که در این زمینه منعقد شد مقرر شد جمهوری اسلامی ایران سالانه دو میلیون تن کالا از طریق این دو بندر وارد کند.

زیادی را به همراه داشت. در این مقطع دولت پاکستان به گونه‌ای رفتار می‌کرد تا بتواند رضایت توأم تمام طرف‌های درگیر را داشته باشد؛ اما این موضعگیری دو پهلوی نمی‌توانست تداوم داشته باشد و دولت پاکستان ناگزیر بود در آینده و در صورت تداوم جنگ عراق با ایران، موضع روشنی را در قبال این جنگ اتخاذ کند. امری که برای دولت و مردم پاکستان بسیار مهم بود.

ج) تلاش برای پایان جنگ: سال‌های پایانی جنگ عراق و ایران، مقطع حساسی برای امنیت کشورهای منطقه خلیج فارس بود. با گسترش جنگ به خلیج فارس و حملاتی که علیه نفتکش‌ها و کشتی‌های تجاری صورت گرفت، تداوم جریان صدور نفت از این منطقه با تهدید بزرگی روبه‌رو شد، موضوعی که در نهایت، حضور ناوگان نظامی آمریکا و کشورهای غربی در خلیج فارس و رویارویی آمریکا و ایران را به دنبال داشت. با موج پیشروی نیروهای نظامی ایران و عملیات‌های نظامی بزرگی که از سوی ایران صورت می‌گرفت شکست نظامی عراق دور از انتظار نبود. ازاین‌رو حامیان منطقه‌ای و فرماندهان عراق، تمام امکاناتشان را برای کمک به رژیم صدام به کارگرفتند. در سایه سیل کمک‌های تسلیحاتی، مالی و اطلاعاتی که به رژیم عراق صورت گرفت ماشین جنگی این کشور به سرعت احیا شد و جنگ عراق و ایران وارد مرحله‌ای جدیدی شد.

در این شرایط، آمریکا و کشورهای عرب منطقه و به ویژه عربستان سعودی، دولت پاکستان را تحت فشار قرار داده بودند تا این کشور با قطع روابطش با جمهوری اسلامی ایران، به حمایت از عراق بپردازد (30 Gupta, 1987). با وجود اینکه پیوستن به جناح کشورهای مخالف با ایران ممکن بود برای پاکستان، امتیازات فراوانی را به

آورد تا از این موضع علیه ایالات متحده بهره برداری کند.

در اوایل سال ۱۹۸۶ آیت ا... خامنه ای، رئیس جمهور وقت ایران، از پاکستان دیدار نمود. در این دیدار ضمن ملاقات با ضیاء الحق در اجلاس شورای عالی سازمان همکاری اقتصادی ایران، ترکیه و پاکستان (اکو) که در اسلام آباد گشایش یافت، شرکت نمود. این سفر نقطه عطفی در روابط ایران و پاکستان در دوره پس از انقلاب اسلامی به شمار می آید. در جریان

این سفر علاوه بر مذاکرات رسمی با مقامات پاکستانی، ملاقات هایی نیز با علماء، مهاجران و مجاهدین افغانی در پاکستان و اساتید زبان فارسی در آن کشور انجام شد.

علاوه بر این تفاهم نامه ای در خصوص تشکیل کمیته مرزی به امضاء

رسید. (Embassy of the I.R.Iran, 2010) در سال ۱۹۸۶، ۱۲ کانال شبکه مخابراتی جدید ماکروویو شهرهای مختلف ایران و پاکستان آغاز به کار کرد. در سال ۱۹۸۷ موافقت نامه همکاری های حمل و نقل جاده ای (ترانزیت) میان دو کشور در اسلام آباد امضاء شد. در همان سال، پروازهای خطوط هوایی پاکستان به ایران که از سال ۱۹۸۰ قطع شده بود از سر گرفته شد (روابط سیاسی پس از انقلاب اسلامی، ۲۰۱۰).

در جریان تیره شدن روابط ایران و فرانسه و وقوع جنگ سفارتخانه ها بین

همچنین دو کشور توافق کردند یک سرویس قطار بین کویت و تهران برقرار شود و مذاکراتی برای تأسیس شرکت کشتیرانی مشترک بین ایران و پاکستان صورت گرفت. در واقع، این توافقات بخشی از موافقتنامه دو کشور برای توسعه مبادلات تجاری به حجم ۴۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۸۸ بود. طبق این موافقتنامه، پاکستان در مقابل دریافت ۲۰۰ دستگاه اتوبوس و روزانه ۲۰ هزار بشکه نفت، تولیدات کشاورزی و مصالح ساختمانی به ایران صادر می کرد (انصاری و یزدان فام، تهران: ۲۸۳). در قالب توافق نامه امضا شده بین دو کشور، ایران بخشی از جنگنده های جی-۷ اس و سلاح های سنگین دیگری را که از چین و کره شمالی خریداری می کرد از طریق پاکستان دریافت می کرد (انصاری و یزدان فام، تهران: ۳۴۷). در مقابل، ایران نیز بازپرداخت وامی را که پاکستان در دوره پهلوی دریافت کرده بود تمدید کرد (فوزی، انصاری و لطف ا... زادگان، ۱۳۶۴: ۳۵۰).

در واکنش به اقدام دولت پاکستان در گسترش روابطش با جمهوری اسلامی ایران، دولت عربستان سعودی بخش زیادی از نظامیان پاکستانی شاغل در ارتش این کشور را به کشورشان برگرداند و روابط دو کشور رو به سردی گذاشت (اردستانی، ۱۳۸۲: ۵۰۰).

بخشی از دلایل گسترش دامنه همکاری های پاکستان با جمهوری اسلامی به تیرگی روابط این کشور با ایالات متحده، به دلیل قاچاق مواد مخصوصی از آمریکا به پاکستان به منظور تولید سلاح هسته ای مربوط می شد. دولت ایالات متحده پس از آگاهی از این موضوع، تمام کمک های اقتصادی و نظامی خود به ارزش ۴/۲ میلیارد دلار را به پاکستان به حالت تعلیق درآورد (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۶/۸/۱۲). این امر موقعیت منحصر به فردی برای ایران به وجود

دولت پاکستان در طول

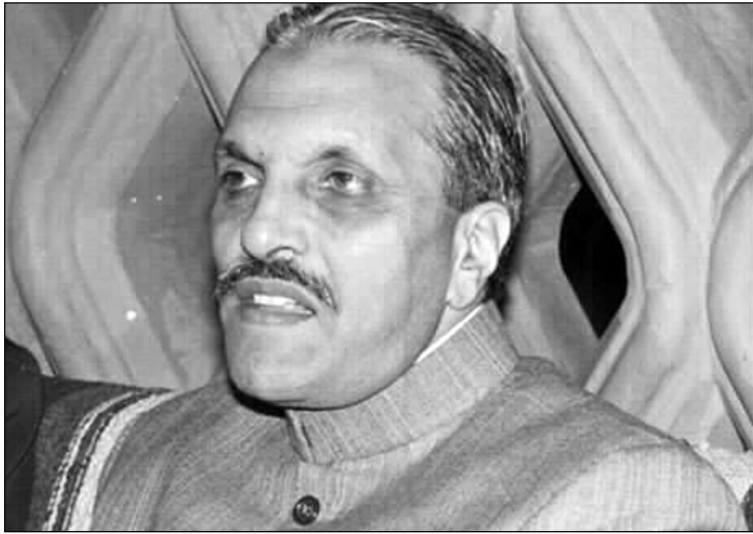
جنگ عراق با ایران

به گونه ای رفتار کرد

تا بتواند رضایت توأم

تمام طرف های درگیر را

داشته باشد



دوکشور و قطع روابط سیاسی بین آنها، پاکستان به عنوان حافظ منافع جمهوری اسلامی ایران و ایتالیا به عنوان حافظ منافع فرانسه در ایران تعیین شدند (یزدان فام، ۱۳۸۷: ۱۱).

با تصویب قطعنامه ۵۹۸، دولت پاکستان تلاش کرد جمهوری اسلامی ایران را برای پذیرش این قطعنامه تشویق کند. ضیاءالحق در دیدار با آقای ولایتی پیشنهاد کرد

ایران به طور جدی و با دقت بیشتری قطعنامه ۵۹۸ را که تا حدی خواسته‌های جمهوری اسلامی ایران را نیز مورد توجه قرار داده، مورد بررسی قرار دهد (اردستانی، ۱۳۸۲: ۲۹۴).

نتیجه‌گیری

از ابتدای شکل‌گیری پاکستان به عنوان کشوری مستقل، رابطه با ایران برای این کشور از اهمیت و جایگاه بسیار مهمی برخوردار بوده است. اشتراکات نژادی، مذهبی و تاریخی و نیز ادراکات امنیتی مشترک، باعث شده روابط ایران و پاکستان از اهمیت راهبردی بالایی برای دو کشور برخوردار باشد. روابط ایران و پاکستان از بدو شکل‌گیری این رابطه، همواره با آزمون‌های دشواری روبه‌رو بوده است. جنگ‌های پاکستان با هند، بروز ناآرامی‌های قومی در پاکستان، کودتای نظامی در پاکستان، وقوع انقلاب در ایران، حمله شوروی به افغانستان و ... از جمله این موارد هستند. هر یک از این آزمون‌ها، به نوعی باعث تقویت رابطه دو کشور شده است. جنگ عراق با ایران نیز آزمونی جدی برای روابط

ایران و پاکستان بود.

در طول جنگ تحمیلی، روابط دو کشور، فراز و نشیب زیادی داشت. دولتمردان پاکستانی در قبال این جنگ، دیپلماسی متعارضی را در پیش گرفتند. آنها با توجه به تحولات منطقه‌ای و جهانی و نیز تعاملاتی که با کشورهای منطقه و فرمانطقه داشتند و نیز با توجه به تحولات داخلی و تهدیدات پیرامونی، به موضع‌گیری در قبال این جنگ پرداختند. تلاش حکومت وقت پاکستان این بود که با حفظ روابطش با بازیگران تأثیرگذار در جنگ ایران و عراق، ضمن بهره‌برداری از فرصت‌های ایجاد شده، هزینه‌های این جنگ را برای پاکستان تا حد ممکن کاهش دهند. این استراتژی تا حد زیادی جواب داد و دولت پاکستان عملاً موفق شد تا سال‌های پایانی جنگ، روابط نزدیکش را هم‌زمان با کشورهای عرب منطقه، ایران و نیز ایالات متحده حفظ کند. البته لازم به یادآوری است که روابط پاکستان با عراق در طول جنگ سرد با توجه به اینکه دو کشور در بلوک‌های قدرت متعارضی قرار داشتند چندان نزدیک نبود. با تصاعد درگیرها در سال‌های

منابع و مآخذ

- اردستانی، حسین. (۱۳۸۲). تکاپوی جهانی برای توقف جنگ؛ روزشمار پنجاه و دوم. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.

- ارنست، اریک. (۱۳۷۹). ظرفیت نظامی و خطر بروز جنگ. (مترجم: سید شمس الدین میر ابوطالبی، محمد خوش قدم نیا و پرویز قاسمی) تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد.

- امرایی، حمزه. (۱۳۸۳). انقلاب اسلامی ایران و جنبشهای اسلامی معاصر. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- انصاری، مهدی و یزدان فام، محمود. (تهران). روزشمار جنگ محدود ایران و آمریکا در خلیج فارس. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: ۱۳۸۷.

- بورک، س.م و لارنس زایرینگ. (۱۳۷۷). تاریخ روابط خارجی پاکستان. مترجم: ایرج وفایی، تهران: انتشارات کویر. - حسینی بهشتی، علیرضا. (۱۳۸۰). بنیاد نظری سیاست در جوامع چند فرهنگی. تهران: بقعه.

- خرزهری، هادی محمد. (۱۳۸۹، آذر). نگاهی بر روابط سیاسی ایران و پاکستان (از سال ۱۳۲۶ تا ۱۳۸۰ ش). قابل دسترسی در:

<http://www.afkarenow.com/mataleb/Pakistan.ht>

- روابط سیاسی ایران و پاکستان پس از انقلاب اسلامی. (۲۰۱۰، دسامبر). قابل دسترسی در:

[http://www.aftab.ir/travel/counuries/pakistan/politics/iran relations/afterrevolution2.php](http://www.aftab.ir/travel/counuries/pakistan/politics/iran%20relations/afterrevolution2.php)

- روزنامه جمهوری اسلامی، (۱۳۶۶/۸/۱۲)

- علی بابایی، غلامرضا. (۱۳۷۵). تاریخ سیاست خارجی ایران از شاهنشاهی تا به امروز. تهران: درس.

- غرایق زندی، داود. (۱۳۸۴). ایران و پاکستان: کنکاشی در سیاست خارجی. نامه دفاع، شماره سوم.

- فاطمی، علی. (۱۳۸۶). بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر جنبش اسلامی در پاکستان. قابل دسترسی در:

<http://www.bashgah.net/modules.php?nam=articles&op=peoples&9535>

- فرزین نیا، زیبا. (۱۳۷۶). پاکستان. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.

پایانی جنگ و گسترش جنگ به خلیج فارس، عملاً حفظ استراتژی تعیین شده برای دولت پاکستان غیرممکن بود. این کشور در برابر انتخاب سرنوشت سازی قرار گرفته بود و با توجه به تعهداتی که در برابر آمریکا و کشورهای عربی داشت ناگزیر بود بین جمهوری اسلامی ایران و جبهه مقابل آن، یکی را انتخاب کند. پیوستن پاکستان به کشورهای مخالف ایران، اگرچه می توانست امتیازات فراوانی را برای این کشور به همراه داشته باشد اما تهدیدات امنیتی این کشور را به شدت افزایش می داد. در واقع، این اقدام پاکستان را از سه جهت در محاصره کشورهای مخالف قرار می داد. این احتمال وجود داشت که جمهوری اسلامی ایران برای کاستن از فشار کشورهای رقیب، به هند و شوروی نزدیک شود که این مسئله پاکستان را با شرایط دشواری روبه رو می کرد. ضمن اینکه پیامدهای داخلی این تصمیم نیز برای پاکستان بسیار مهم و تأثیرگذار بود. از سوی دیگر، دولت پاکستان چندان به حمایت های وعده داده شده خوشبین نبود. لذا دولتمردان پاکستانی با رد پیشنهاد مداخله در جنگ ایران و عراق، عملاً نوعی بی طرفی مثبت در قبال ایران را در پیش گرفتند و تمام تلاششان را برای راضی کردن طرفین برای پایان این جنگ به کار گرفتند. اگرچه این تصمیم، هزینه هایی نیز برای پاکستان دربر داشت اما با توجه به امتیازاتی که از سوی ایران داده شد تا حدی این هزینه ها جبران شد. به نظر می رسد این تصمیم دولت پاکستان با توجه به شرایطی که در آن دوره وجود داشت یک انتخاب عاقلانه بود که توسعه بیشتر روابط این کشور با ایران را در سال های پس از جنگ به دنبال داشت.

pak-iran-relations-since-islamic-revolution-genesis-of-cooperatio-and-competition.html

- Hilali, A.Z. (2002, Spring). The Challenges to Pakistans Domestic Security.

- Malik, Iffat.(2010). Role of Islam in Post-revolution Iranian Foreign Policy. Availabel at: <http://www.issi.org.pk/strategicStudies.php>

- Ministry of Forigen Affairs (1977, February 21). Pakistan Relation with Islamic States, A Review.

- Montazeran, Ahmad and Mumtaz, Kashif.(February 2010) Iran-Pakistan: Cooperation for reginal Stability. The Institute of Strategic Studies, Islamabad: Availabel at: http://www.issi.org.pk/journal/2004_files/no_1/article/3a.htm. [2010/2/21]

- Sen Gupta, Beabebani.(1987). The Persian Gulf and South Asia Prospects and Problems of Inter-Reginal Coopreation . New Dehli: South Asian Publisher.

- Wikipedia.(2010). Iraqi support of Baloch rebels. Availabel at: http://en.wikipedia.org/wiki/Iraqi_support_of_Baloch_rebels.

- Wikipedia.(2010). Iraq-Pakistan relations. Availabel at: http://en.wikipedia.org/wiki/Talk:Iraq%E2%80%93Pakistan_relations.

- فوزی، یحیی؛ مهدی انصاری، علیرضا لطف‌الله زادگان. (۱۳۶۴). روزشمار ماجراب مک فارلین. تهران.

- لطف‌ا... زادگان، علیرضا. (۱۳۷۳). روزشمار هویزه، آخرین گام‌های اشغال گر. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.

- نخعی، هادی. (۱۳۷۹). تجدید رابطه آمریکا با عراق. تهران: مرکز مطالعه و تحقیقات جنگ.

- نظیف‌کار، غزاله. (۱۳۸۲). برآورد استراتژیک پاکستان. تهران: موسسه ابرار معاصر تهران.

- واعظی، طیبیه (ویراستار). (در دست چاپ). روابط ایران و پاکستان. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- وزارت بازرگانی. (۱۳۶۴). بررسی مسائل کشورها: پاکستان. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

- یزدان‌فام، محمود. (۱۳۸۷). روزشمار اسکورت نفت کش‌ها. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.

- Ahmar, Moonis.(1995). Sectrarian Conflicts in Pakistan. Pakistan Vision , Vol. 9.

- Alam, Shah.(2004 Oct-Dec), Iran-Pakistan Relation: Pilittical and Strategic Dimensions. Strategic Analysis, 28.

- Ali Khan, Zahid. (2004). Pak-Iran Relation in Historical Perspectives. In S. M. Hassan, and S. A. Raeissosadat, Pak-Iran Relation in Historical Perspectives . Peshawar: Culture Center of Islamic Republic of Iran.

- Bermudez, Joseph). 1998 May 21). DPRK: Pakistan Ghauri Missile Cooperation. Availabel at: <http://www.fas.org/news/pakistan/1998/05/ghauri2.htm>

- Chopra, Surrender).1995. (Pak-Iran Relations: in Political System in Pakistan. V. G. Arora(eds), Pak-Iran Relations. New Delhi: Deep & Deep Publications.

- Embassy of the I.R.Iran Islmabad.(2010). Pak-Iran Relations Since Islamic Revolution: Genisis of Cooperatio and Competition. Availabel at: <http://www.iranembassy.pk/en/political-section/592->